## بایدن و دوقطبی داخلی؛ شکاف‌ها پر نمی‌شوند

امیرعلی ابوالفتح
کارشناس مسائل آمریکا

جو بایدن یکی از ارکان ساختار قدرت در آمریکاست. مدارج ترقی را پله پله از سطوح پایین طی کرده، به‌عنوان یکی از کارگزاران کهنه‌کار در عرصه سیاست قلمداد می‌شود و به قول معروف بخشی از حاکمیت آمریکاست. او رابطه خوبی هم با رقبای درون‌حزبی و هم رقبای برون‌حزبی دارد. مثلا با خاندان بوش رابطه خوبی دارد، با مک‌کین خوب بود، با میت رامنی رابطه خوبی داشت و سابقه همکاری طولانی با سران جمهوریخواه در سنا را دارد و توانسته شکاف‌های درون حزب دمکرات بین خودش و سناتور برنی سندرز و جریان ترقی‌خواه را پر کند. بایدن سال‌ها در این فضا کار کرده و حضور نزدیکی با تمام جریان‌ها، چهره‌ها و وال‌استریت داشته؛ او کهنه‌کار عرصه سیاست است و واشنگتن را مثل کف دستش می‌شناسد. بنابراین از قابلیت ترمیم شکاف‌های درون نخبگانی برخوردار است. اما اینگونه نیست که اگر در راس یک نظام سیاسی اتحاد، اتفاق و وحدت‌نظر وجود داشته باشد، الزاما در کف خیابان هم این اتحاد و همدلی وجود داشته باشد. باوجود ویژگی‌های بایدن، نمی‌توان گفت که او قابلیت پر کردن شکاف‌هایی که در بدنه اجتماعی و در سطوح غیرنخبگانی و در بین توده‌ها ایجاد شده را دارد. یک علت این است که این شکاف‌ها بر اثر بحران‌های عدیده در آمریکا بروز پیدا کرده است؛ مثلا بحران اقتصادی، بحران کرونا و بحران‌های نژادی که همه ریشه در سوءمدیریت‌ها و ناکارآمدی‌های دولت‌های پیشین در سطوح فدرال و ایالاتی دارد. این که یک رئیس‌جمهور این توانایی را داشته باشد که بدون رفع بسترهای ظهور این بحران‌ها، بتواند شکاف‌ها را کاهش بدهد مقداری دور از انتظار است. اما اگر طی ریاست‌جمهوری‌اش بتواند بحران‌های وضعیت اقتصادی آمریکا را سر و سامان بدهد و رفاه مردم را برقرار کند و بتواند از بحران کرونا سربلند بیرون بیاید و آشتی ملی را به‌خصوص در حوزه‌های نژادی برقرار کند، این ظرفیت را خواهد داشت که بتواند این گسل عمیقی که به‌وجود آمده را تا حدودی پر کند. البته من خیلی امیدوار نیستم، چون حل برخی مشکلات در توان یک دولت نیست و عزم ملی می‌خواهد، به‌خصوص در حوزه‌های نژادی که با بخشنامه و امضای فرمان، نطق، سخنرانی و دستورالعمل مشکلات حل نمی‌شود و باید نگاهی متفاوت بین شهروندان آمریکا ایجاد شود. من بعید می‌دانم که دولت بایدن بتواند این وضعیت به هم ریخته و دوپاره را ترمیم کند و آمریکا را به شرایطی که مثلا در اواخر قرن گذشته وجود داشت برگرداند.

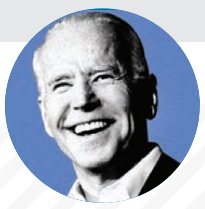

## جو بایدن؛ پایان شیرین ۳۲ سال انتظار

**انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا، شاید آخرین شانس جو بایدن برای تصاحب کلید کاخ سفید بود؛ اما نخستین تلاشش نبود. این سومین باری بود که او تلاش کرد رئیس‌جمهور شود و موفق هم شد، زیرا برخلاف تلاش‌های قبلی در سال‌های ۱۹۸۸ و ۲۰۰۸، این بار به‌عنوان یک پیشرو و چهره شناخته‌شده دمکرات وارد صحنه رقابت شد. این سیاستمدار ۷۷ساله وقتی سال گذشته پا در میدان رقابت انتخابات مقدماتی گذاشت با مخالفت برخی کمیته‌های حزبی در ایالت‌های آیووا و نیوهمپشایر روبه‌رو شد، اما با گرفتن رأی اعتماد از ۱۴ ایالت، درنهایت توانست وارد کارزار انتخاباتی شود. کارزارهای انتخاباتی بایدن برخلاف دونالد ترامپ که در میان جمعیت زیادی از مردم حاضر می‌شد، با حضور تعداد محدودی از هوادارانش و با رعایت فاصله اجتماعی و استفاده از ماسک برگزار شد تا به‌عنوان یک نامزد دمکرات، همواره دغدغه خود را درباره همه‌گیری کرونا یادآوری کند. به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، درنهایت همین بیماری عامل اصلی شکست ترامپ در انتخابات بود.**

**پیشینه خانوادگی:** بایدن سال ۱۹۷۲ مدت کوتاهی پس از اینکه برای نخستین بار به سنا راه پیدا کرده بود، همسر و دختر کوچکش را در حادثه رانندگی از دست داد. او مراسم ادای سوگند به‌عنوان سناتور را در بیمارستان کنار ۲ پسرش که از تصادف جان سالم به در برده بودند، انجام داد. سال ۲۰۱۵ پسرش بو که ۴۶ساله بود به‌دلیل سرطان مغز فوت کرد. جو بایدن در طول کارزار انتخاباتی خود بارها به هر دو اتفاق تلخ زندگی‌اش اشاره کرده و گفته که به همین دلیل نظام سلامت برای او اهمیت ویژه و «شخصی» دارد. مرگ پسرش، موج احساسات عمومی را به سمت بایدن روانه کرد و از او چهره یک سیاستمدار مهربان و باورپذیر در بین مردم ساخت. اما این محبوبیت مردمی، مشکلات خود را هم به‌دنبال داشت. بایدن وقتی وارد رقابت انتخاباتی ۲۰۲۰ شد با اتهام‌هایی از سوی برخی زنان به‌دلیل صمیمیت زیادش روبه‌رو شد، اما در واکنش به آنها گفت که ذاتا آدم خونگرمی است و احساسات خود را بروز می‌دهد، هرچند قبول دارد که استانداردها عوض شده است.

**فعالیت سیاسی:** بایدن از سال ۱۹۷۲ وارد سنا شد و طی ۶دوره نمایندگی ایالت دلاور را به‌عهده داشت. در سال ۱۹۸۸ برای نخستین بار وارد کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری شد اما به‌دلیل اینکه متهم به کپی کردن سخنرانی نیل کیناک، رهبر وقت حزب کارگر انگلیس شد، انصراف داد. بایدن در سال ۲۰۰۸ هم وارد انتخابات مقدماتی حزب شد، اما درنهایت به‌نفع باراک اوباما کنار کشید. ۲دوره حضور در کنار نخستین رئیس‌جمهور سیاهپوست آمریکا، فصل مهمی از زندگی سیاسی بایدن را رقم زد. ۸سال حضور در کاخ سفید، جایی که همیشه شانه به شانه اوباما دیده می‌شد، این امکان را به او داد که خود را در بخش زیادی از دستاوردهای دولت رئیس‌جمهور پیشین آمریکا مانند طرح درمان ارزان، بسته‌های تشویقی اقتصادی و مهار بحران مالی سهیم بداند.

# ورود آمریکا به دوران جدید

جواد نصرتی
روزنامه‌نگار

دوران پرآشوب و تاریک دونالد ترامپ، ظهر دیروز به وقت واشنگتن با ادای سوگند جو بایدن به عنوان چهل و ششمین رئیس جمهور آمریکا به پایان رسید و دولت جدید، مسیر سخت برگرداندن آمریکا به مسیر عادی بودن را شروع کرد. بایدن، که در انتخابات سوم نوامبر توانست ترامپ را شکست دهد، در سخنرانی خود بعد از مراسم سوگند گفت که دموکراسی پیروز شده و زمان اتحاد فرا رسیده است. او گفت: «اراده مردم شنیده شده است. ما دوباره آموختیم که دموکراسی عزیز و گرانبهاست. دموکراسی شکننده است. و در این ساعت، دوستان من، دموکراسی پیروز شده است.» او همچنین گفت که رئیس جمهور تمام مردم آمریکاست و قول می‌دهد که برای آنهایی که به او رای نداده‌اند هم بجنگد. بایدن با اشاره به حمله هواداران ترامپ به ساختمان کنگره گفت: «چند روز بعد از آنکه عده‌ای اوباش خواستند دموکراسی ما را خدشه دار کنند اینجا ایستاده‌ایم و می‌گوییم چنین چیزی هرگز اتفاق نخواهد افتاد. دموکراسی همین است. اما اختلاف نظرها نباید باعث تشتت ملی شود. من رئیس جمهور همه آمریکا خواهم بود.» در بخش سیاست خارجی او گفت: «ما در پی احیای ائتلاف‌های خود و شریکی قابل اعتماد برای صلح و امنیت خواهیم بود.»

پیش از بایدن، کاملا هریس معاون بایدن، به عنوان اولین زن و اولین رنگین پوستی که به این سمت رسیده ادای سوگند کرد. این مراسم با حضور چهره‌های سرشناس آمریکا، از جمله روسای جمهور سابق آمریکا یعنی بیل کلینتون، باراک اوباما و جرج بوش و همینطور مایک پنس معاون اول دونالد ترامپ و اعضای ارشد هر دو حزب آمریکا برگزار شد.

مراسم تحلیف، تحت شدیدترین تدابیر امنیتی که واشنگتن در سال‌های اخیر به خود دیده برگزار شد و ۲۵ هزار نیروی گارد ملی و تعداد زیادی از ماموران سرویس مخفی، اف‌بی‌آی و پلیس امنیت، آن را برگزار کردند. این میزان از تدابیر امنیتی، بعد از آن لحاظ شد که هواداران دونالد ترامپ، روز ششم ژانویه به مراسم تایید پیروزی جو بایدن در کنگره حمله و قلب دموکراسی آمریکا را فتح کردند. ساعاتی پیش از ادای سوگند جو بایدن، دونالد ترامپ، رئیس جمهور جنجالی پیشین آمریکا، آخرین ضربه‌اش را هم بر عرف و سنت‌های آمریکا زد و در مراسم جداگانه‌ای، بدون اینکه در مراسم تحلیف جانشین خود حاضر شود، با هوادارانش وداع کرد. ترامپ، اولین رئیس جمهور در ۱۵۲سال اخیر در آمریکاست که در مراسم تحلیف جانشین خود شرکت نمی‌کند. او بعد از ترک کاخ سفید، در یک پایگاه نظامی، مراسم بدرقه‌ای برای خود ترتیب داده بود و از همان جا، در آخرین سخنرانی خود به عنوان رئیس جمهور، وعده داد که دوباره بازخواهد گشت. رئیس جمهور سابق آمریکا، در سخنرانی خود در پایگاه اندروز برای دولت جدید آرزوی موفقیت کرد و دستاوردهای «شگفت‌انگیز» خود را ستود. او در تمام سخنرانی خود، برای دولت جدید آرزوی موفقیت کرد، حتی یک بار هم نام بایدن را به زبان نیاورد. ترامپ در سخنرانی خود خطاب به هوادارانی که در این پایگاه جمع شده بودند گفت: «خدانگهدار. شما را دوست داریم. به زودی به شکل دیگری بازخواهیم گشت. زندگی خوبی داشته باشید. به زودی می‌بینم‌تان.» او بعد از این سخنرانی، به اقامتگاه مجلل خود در مار آلاگو در فلوریدا پرواز کرد تا دوران بعد از ریاست جمهوری‌اش را، که از قضا بسیار متلاطم و پرتنش خواهد بود، شروع کند. استیضاح ترامپ در مجلس نمایندگان رای آورده و او منتظر دادگاهش در سناست. اگر دو سوم سناتورها به محکومیت او به‌خاطر «تحریک شورش» در کنگره رای بدهند، ترامپ مزایای رئیس جمهور سابق را از دست خواهدداد. در صورت محکومیت او، دموکرات‌ها همچنین طرحی را به رای خواهند گذاشت که جلوی حضور ترامپ در انتخابات بعدی را خواهد گرفت و عملا حیات سیاسی او، دست‌کم در سمت‌های انتخابی، به پایان خواهد رسید.

## کاملا هریس؛ بانوی تاریخ‌ساز کاخ سفید

**کاملا هریس بالاخره توانست معاون رئیس‌جمهور منتخب آمریکا شود، اما ثبت عناوینی چون نخستین زن، نخستین سیاهپوست و نخستین آمریکایی آسیایی تباری که به این پست دست پیدا می‌کند به نام او، طعم این پیروزی را در کامش شیرین‌تر کرده است. هریس حدود یک سال پیش، وارد رقابت‌های مقدماتی حزب دمکرات شد و بارها در مناظره‌ها سیاست‌های بایدن را زیر سؤال برد که به اعتقاد برخی، باعث شد ترمز بلندپروازی‌های رقیبش را بکشد. اما درنهایت این بایدن بود که در این رقابت برنده شد و هریس ۵۶ساله را به تیم خود آورد تا در مرکز توجه رسانه‌ها قرار بگیرد.**

**پیشینه خانوادگی:** هریس در اوکلند ایالت کالیفرنیا به دنیا آمد. مادرش مهاجر هندی و پدرش مهاجری از جامائیکا بود. ۵ساله بود که والدینش جدا شدند و نزد مادرش که محقق سرطان و فعال حقوق مدنی بود، بزرگ شد. هریس گفته که مادرش سعی کرده او و خواهرش را به‌عنوان ۲ زن سیاهپوست با اعتماد به نفس بالا که به نژاد خود افتخار می‌کنند، تربیت کند. دورگه بودن هریس، او را تبدیل به یک سیاستمدار محبوب در بین خیلی از آمریکایی‌ها کرده است. هریس بارها گفته که با هویت خودش مشکلی ندارد و خودش را یک «آمریکایی» می‌داند. هریس تحصیلات خود را در دانشگاه هاروارد که از دانشگاه‌های شناخته‌شده برای سیاهپوستان است، گذراند. او از این دوران به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین دوره‌های زندگی خود یاد می‌کند. هریس در سال ۲۰۱۴ با داگ ایمهوف که وکیل است، ازدواج کرد و نامادری ۲فرزند همسرش شد. هرچند گفته که علاقه‌ای به این عنوان ندارد و بچه‌ها او را با لقبش یعنی «مامالا» صدا می‌زنند.

**فعالیت سیاسی:** فعالیت هریس به‌عنوان دادستان به سیاستمدار شدن او کمک زیادی کرد. او کارش را در دفتر دادگستری منطقه آلامدا آغاز کرد و سال ۲۰۰۳ دادستان عالی سان‌فرانسیسکو شد. سپس نخستین زن و نخستین سیاهپوستی شد که به‌عنوان دادستان کل کالیفرنیا در بالاترین پست حقوقی در پرجمعیت‌ترین ایالت آمریکا خدمت کرد. به این ترتیب او به چهره شناخته‌شده‌ای در حزب دمکرات تبدیل شد و به پشتیبانی این شهرت، سال ۲۰۱۷ وارد رقابت انتخاباتی سنا شد. اما حرکت روی مرز باریک راضی نگه‌داشتن دمکرات‌های چپگرای کالیفرنیا و سیاستمدار مردمی بودن، همواره برای او کار سختی بوده است. تلاش برای به‌دست آوردن دل ترقی‌خواهان دمکرات از یک‌سو و میانه‌روهای حزب متبوعش از سوی دیگر، باعث شد که نزد هیچ‌کدام محبوبیت آنچنانی کسب نکند. این روزها که آمریکا با مشکلاتی مانند تبعیض نژادی و خشونت پلیس دست‌وپنجه نرم می‌کند، هریس روی صندلی‌ای نشسته که می‌تواند صدای گروه‌های ترقی‌خواه و اصلاح‌طلب باشد. به اعتقاد این سیاستمدار، نژادپرستی تبدیل به یک همه‌گیری در آمریکا شده و باید ریشه‌کن شود. هریس اکنون این فرصت را دارد تا وعده‌هایش را از قلب کاخ سفید عملی کند.

## بایدن و ایران؛ چرخش ۱۸۰درجه‌ای

علی واعظ
مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران

سیاست آمریکا در قبال ایران در دوره بایدن چرخشی ۱۸۰درجه‌ای خواهد داشت. این پیش‌بینی بر پایه ۲تحول کلیدی قرار دارد؛ نخست اینکه هرگز در هیچ دولتی در آمریکا پس از انقلاب ایران، سابقه نداشته است که این تعداد از مقامات کلیدی امنیت ملی آمریکا سابقه تعامل با ایران را داشته باشند؛ از مشاور امنیت ملی و معاون او گرفته تا وزیر خارجه جدید و معاونش، و از رئیس سازمان سیا گرفته تا مقامات وزارت دفاع همه در مذاکراتی که در دوره اوباما منجر به امضای برجام شد، نقش داشتند. دوم اینکه همه این افراد در نوشته‌های خود سیاست‌های قلدرمآبانه و یکجانبه‌گرایانه ترامپ را محکوم کرده و خواستار این هستند که آمریکا رویکردی متعادل‌تر در خاورمیانه دنبال کند تا تعادلی پایدار و صلح‌آمیز بین متحدان آمریکا در منطقه و ایران برقرار شود. این رویکرد در تضاد کامل با سیاست حمایت بی‌چون‌وچرا از اسرائیل و عربستان و فشار حداکثری بر ایران در دوره ترامپ قرار می‌گیرد. این فرصتی تاریخی است برای احیای برجام و کاستن از دامنه خصومت میان ایران و آمریکا که به بحران هسته‌ای شکل داد و نهایتا منجر به تضعیف برجام شد. با این حال، دیدگاهی در ایران وجود دارد که دمکرات‌ها و جمهوریخواهان را سروته یک‌کرباس می‌داند و معتقد است که آمریکا فقط زبان زور را درک می‌کند. مسلما محاسبات انتخاباتی هم با توجه به نزدیک شدن به موعد انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران برخی را به سمتی سوق می‌دهد که منافع جناحی را بر منافع ملی ترجیح دهند. طرفداران این دیدگاه می‌توانند اقداماتی را انجام دهند که این موقعیت ویژه را به یکی دیگر از فرصت‌های سوخته ۴دهه گذشته تبدیل کند و دستاورد صبر راهبردی ایران در دوره ترامپ را یک‌شبه بر باد دهد. متأسفانه اقدامات احساساتی و شعاری جز اینکه چهره ایران را در غرب مخدوش کند و مهمات در اختیار دشمنان ایران قرار دهد، هیچ تأثیری نخواهد داشت. بهترین گزینه برای هر دو طرف احیای بی‌قید و شرط برجام ظرف ۲ تا ۳ماه است. سپس با احیای اعتماد مشترک، رئیس‌جمهور آینده ایران می‌تواند در مورد یک توافق بهتر و در موضع بهتر با ۵+۱ وارد گفت‌وگو شود تا هم برجام را پایدارتر سازند و هم زمینه را برای کاهش تنش‌ها در منطقه فراهم آورند.

## بایدن و اروپا؛ مسیر سخت اعتمادسازی

توماس دوسترباگ
کارشناس سیاست خارجی آمریکا در موسسه هادسون

تاکید سیاست خارجی جو بایدن بر اقدامات هماهنگ جهانی برای حل بحران‌های اقتصادی و مسائل زیست‌محیطی جهان و رویکردهای محیط‌زیستی بر کسی پوشیده نیست. تغییر در اقتصاد جهانی بدون حضور چین امکان‌پذیر نیست. در این میان، آمریکا بدون همکاری و همراهی اروپا نمی‌تواند چین را متقاعد کند که مدل حاکم بر اقتصادش را که به اعتقاد بسیاری در واشنگتن مخل اقتصاد جهانی و مسائل آب و هوایی است، تغییر دهد. این در شرایطی است که اروپا و چین طی دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و در سایه تنش تجاری بی‌سابقه با دولت او، همکاری‌های اقتصادی نزدیکی با چین آغاز کرده‌اند. آنگلا مرکل، صداعظم آلمان و مقام‌های اتحادیه اروپا پیش از انتقال قدرت در کاخ سفید، درس سیاسی مهمی به جو بایدن دادند. آنها علی‌رغم درخواست‌های مکرر تیم انتقالی بایدن، قرارداد همکاری تجاری با چین را نهایی کردند تا نشان دهند اروپا دیگر قرار نیست در اتخاذ تصمیمات اقتصادی و امنیتی، نگاهش به کاخ سفید باشد. بایدن اکنون با اروپایی روبه‌رو است که منافع اقتصادی خود را در شرق دور تعریف کرده است. درست است که اروپا از انتخاب بایدن استقبال کرده است اما دولت جدید آمریکا برای اعتمادسازی با متحدان خود در آن سوی آتلانتیک راه درازی در پیش دارد.

## بایدن و چین: ادامه سیاست مهار

فن هونگدا
استاد دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای

در دوره ۴ساله حضور دونالد ترامپ در قدرت، جهان شاهد تشدید سرکوب چین از سوی آمریکا بود؛ تا جایی که روابط میان دوطرف در این دوره به‌عنوان بدترین دوره از زمان برقراری روابط دیپلماتیک دوجانبه در اول ژانویه ۱۹۷۹ معرفی شد. با این حال، نمی‌توان به تغییر موضع واشنگتن در قبال پکن با انجام تغییرات در کاخ سفید امیدوار بود؛ چراکه سمت‌وسوی سیاست خارجی آمریکا در برابر چین را ساکن کاخ سفید تعیین نمی‌کند، بلکه این روند مربوط به تغییر قدرت ۲کشور است که تعیین‌کننده روابط دوطرف است. سطح توسعه کشورها را براساس تولید ناخالص داخلی آنها می‌سنجند. در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹ تولید ناخالص داخلی چین به‌ترتیب حدود ۱,۶درصد، ۳,۶درصد، ۹,۲درصد و ۱۶,۳درصد از مجموع تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل داده است؛ درحالی‌که تولید ناخالص داخلی آمریکا در این سال‌ها به‌ترتیب حدود ۲۶,۳درصد، ۳۰,۴درصد، ۲۲,۶درصد و ۲۴,۴درصد بوده است. این ارقام به وضوح نشان می‌دهد که فاصله تولید ناخالص داخلی بین چین و آمریکا در حال کاهش است. در سال گذشته میلادی، بحران کرونا اقتصاد جهان را به لرزه درآورد، اما چین تنها کشور جهان است که به رشد اقتصادی مثبت دست یافت. اثرات کرونا بر اقتصاد آمریکا، شکاف میان تولید ناخالص داخلی ۲کشور را کمتر هم می‌کند. توسعه سریع اقتصاد در چین باعث پیشرفت آموزش، علم و فناوری، قدرت نظامی و سایر زمینه‌ها شده است. در چنین شرایطی، آمریکا که به ایجاد دشمنان خارجی برای خود عادت کرده، مدت‌هاست که چین را تهدید جدی برای خود تصور می‌کند. واشنگتن صعود سریع چین را چالشی برای هژمونی آمریکا در جهان می‌داند؛ به همین دلیل سیاست مهار چین را به اجرا گذاشته است. این رویکرد آمریکا نزدیک به ۳دهه است که ادامه دارد؛ بنابراین مهم نیست که ساکن کاخ سفید چه‌کسی باشد، اصل بر ادامه سیاست یادشده است. در شرایطی که مهار روند رشد اقتصادی چین به‌عنوان یک موضوع محوری در آمریکا مورد اجماع قرار گرفته، می‌توان گفت که سیاست دولت بایدن در مقایسه با دولت ترامپ در قبال پکن تغییرات عمده‌ای نخواهد داشت و سرکوب و مهار چین همچنان هسته اصلی سیاست دولت آمریکا خواهد بود. فقط در ظاهر به‌نظر خواهد رسید که روابط آمریکا با چین دیگر مانند دوران دونالد ترامپ نامطلوب نخواهد بود.

## بایدن و روسیه: ادامه سیاست تحریم

بهرام امیراحمدیان
کارشناس مسائل اوراسیا

سیاست خارجی آمریکا در قبال روسیه طی دهه‌های گذشته به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی اگرچه فراز و نشیب‌هایی را سپری کرده، اما از یک چارچوب و استراتژی معینی پیروی کرده است. غرب در دوره جنگ سرد ساختارهایی را برای مهار شوروی و به‌طور کلی بلوک شرق ایجاد کرد تا مانع گسترش آن شود. فروپاشی شوروی نشان داد که این استراتژی موفق عمل کرده است. در دوره کوتاه تک‌قطبی پس از فروپاشی شوروی، روسیه در دهه نخست زیر سیطره جهان غرب قرار گرفت و موجب برهم خوردن تعادل تقسیم مسئولیت‌های جهان دوقطبی شد. پس از به قدرت رسیدن پوتین در آغاز قرن ۲۱، سیاست خارجی روسیه در راستای همکاری با غرب برای مدیریت جهان بود، پذیرش عضویت روسیه در گروه ۷ و تبدیل آن به گروه ۸(G8) امتیاز غرب به روسیه برای مشارکت در ساختار نظام بین‌الملل بود. اما حمله روسیه به گرجستان و اشغال نظامی این کشور در سال ۲۰۰۸ نشان داد که مسکو به‌دنبال ایفای نقشی بزرگ‌تر در مدیریت جهان است. با این اقدام، غرب روسیه را از ساختار گروه ۷ بیرون کرد. از آن زمان، با قدرت‌گیری دوباره پوتین در دور سوم ریاست‌جمهوری در آغاز دهه دوم قرن ۲۱، غرب متوجه ظهور روسیه‌ای قدرتمند در عرصه نظامی شده است. این بار این کشور به‌عنوان رقیب نظامی غرب (آمریکا و اروپای ناتو) قلمداد شد. استراتژی آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی و اعضای ناتو این بار دربرگیری روسیه با استراتژی دوره جنگ سرد بود؛ یعنی واداشتن روسیه به هزینه‌کرد بیشتر در حوزه نظامی و اعمال تحریم علیه این کشور. در دهه دوم با ظهور چین به‌عنوان قدرت اقتصادی دوم بعد از آمریکا، استراتژی آمریکایی‌ها در سیاست خارجی مهار دوجانبه چین و روسیه و حضور در اقیانوس آرام و هند و همکاری بیشتر با متحدان خود با پیوستن هند به این ساختار بود. سیاست خارجی جو بایدن در قبال روسیه و چین، ادامه همان سیاستی است که در دوره ترامپ شاهدش بودیم. روسیه نشان داده که با نظام بین‌الملل در تعارض است؛ اگرچه روسای جمهور در آمریکا تغییر می‌کنند، ولی سیاست خارجی این کشور در برابر روسیه ادامه همان سیاست قبلی است. تحریم‌ها علیه این کشور ادامه خواهد داشت. در ۴سال آینده، با کشاندن روسیه به مسابقه تسلیحاتی این کشور زیر بار هزینه‌های نظامی از توسعه باز خواهد ماند. فراموش نکنیم که عامل عمده سقوط شوروی مسابقه تسلیحاتی بود که اقتصاد شوروی را به ورشکستگی کشاند.

## بایدن و سوریه: ادامه سیاست ترامپ

چنگیز تامر
تحلیلگر مسائل خاورمیانه در ترکیه

بدون شک سیاست‌های اساسی آمریکا نسبت به سوریه در دوران بایدن تفاوت بنیادینی با سال‌های ترامپ نخواهد داشت. می‌دانیم که بایدن «برت مک‌گورک» را به‌عنوان دستیار و مشاور خود در امور خاورمیانه برگزیده است. مک‌گورک پیشینه روشنی دارد، با منطقه و مخصوصا سوریه و عراق آشناست و از حامیان حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) به‌حساب می‌آید. با مروری بر پیشینه و مواضع مک‌گورک می‌توانیم درک بهتری از سیاست‌های بایدن در قبال سوریه و به‌طور کلی منطقه خاورمیانه طی سال‌های آینده داشته باشیم. برای مثال، او از حامیان تاسیس یک کشور جدید و خودمختار برای کردهای سوریه و عراق به شمار می‌رود. بر این اساس تصور می‌کنم سیاست‌های آمریکا در قبال سوریه در سال‌های پیش‌رو تغییر اساسی نسبت به دوره دونالد ترامپ نداشته باشد. طبیعتا این مسئله بیش از هرچیز دیگر در پرونده پ‌ک‌ک در ۲کشور سوریه و عراق مشهود خواهد بود. برخی احتمال می‌دهند با تغییر دولت در واشنگتن، سیاست ترامپ در قبال سوریه به حاشیه رفته و بار دیگر سیاست کنار زدن بشار اسد از قدرت در دستور کار آمریکا قرار گیرد. ممکن است در دوران بایدن فشارهای مالی و اقتصادی در اشکال مختلف، ازجمله تحریم بر نظام سوریه تشدید شود (امری که از هم‌اکنون با اعمال تحریم‌های سزار آغاز شده است)، اما به باور من آمریکا دوباره سراغ سیاست پیشین خود برای برکناری اسد و در نتیجه، تحرکات نظامی نخواهد رفت. البته اهرم حمایت از شبه‌نظامیان کرد در شرق رود فرات، همچون دوران ترامپ مورد استفاده دولت بایدن نیز قرار خواهد گرفت. از دیگر موضوعات مهم در بحران سوریه می‌توان به آینده استان ادلب اشاره کرد. به باور من در این رابطه نیز شاهد تغییر سیاست قابل توجهی از سوی آمریکا در دوران بایدن نخواهیم بود، چرا که ادلب در چشم‌انداز سیاسی آمریکا برای سوریه اولویت خاصی ندارد و فقط از منظر مقابله با گروه‌های تروریستی و رادیکال، می‌توان مداخله‌ای از سوی آمریکا را متصور بود. آخرین نکته نیز مسئله جنوب سوریه و حملات اسرائیل علیه متحدان دولت اسد است. این حملات طی سال‌های گذشته با چراغ سبز روسیه رخ داده است. بنابراین به باور من در سایه موضع رسمی اسرائیل نسبت به حضور متحدان دولت اسد در جنوب سوریه و همچنین چراغ سبز مسکو، این حملات نیز همچنان ادامه خواهد داشت.

## بایدن و عراق: تثبیت وضع موجود

علی هاشم
روزنامه‌نگار و تحلیلگر خاورمیانه در لبنان

پیش از هرچیز باید به یاد داشته باشیم که معادله جدید خاورمیانه در دوران جو بایدن، همچون سال‌های ترامپ واضح و روشن نخواهد بود. برای مثال، درست است که رئیس‌جمهور منتخب آمریکا بارها از اراده خود برای بازگشت به توافق هسته‌ای سخن گفته، اما معنای این سخن، ضرورتا پذیرش نقش ایران در منطقه نیست و فهم این پیچیدگی‌ها برای درک معادله پیش‌رو در منطقه لازم است. این پیچیدگی‌ها در پرونده‌ای نظیر عراق نمود جدی‌تری دارد. این کشور در عین حال که به میدان رقابت و تضاد منافع ایران و آمریکا تبدیل شده، زمینی برای منافع مشترک تهران و واشنگتن نیز به شمار می‌رود. این وضعیت به تنهایی می‌تواند شرایط پیچیده عراق و سیاست‌های احتمالی بایدن در قبال این کشور را نشان دهد.

ممکن است در مقطع پیش‌رو، تنش‌های میدانی میان طرفین کمتر شود؛ اما این به معنی پایان بحران در عراق نیست. چرا که با کاهش تنش‌های میدانی، فضا برای فشارهای سیاسی بازتر خواهد شد. این فشارها می‌توانند با استفاده از ابزارهای مختلفی بر طرف مقابل اعمال شوند؛ از ابزارهای امنیتی، اقتصادی و سیاسی گرفته تا قدرت نرم؛ مقوله‌ای که کارآمدترین سلاح بایدن در رویارویی با ایران خواهد بود. بدون شک مهم‌ترین بخش از سیاست دولت جدید آمریکا در قبال عراق، به رویکرد این کشور نسبت به ایران و نحوه مواجهه با نفوذ ایران در عراق برمی‌گردد؛ امری که در ابتدا تا حدودی به پیچیدگی‌های مفهومی آن اشاره شد. اما علاوه بر این و در درجه دوم، برخی از احتمال تجزیه عراق یادست‌کم، بازگشت پرونده تجزیه این کشور به روی میز در دوران بایدن سخن می‌گویند؛ تفسیری که احتمالا ریشه در مواضع پیشین بایدن در حمایت از استقلال اقلیم کردستان و چندپارگی عراق دارد. اما من این را بعید می‌دانم. به باور من دولت بایدن، درحالی که دور اول تلاش‌ها برای تجزیه عراق بی‌نتیجه مانده است، گامی جدید در این مسیر بر نخواهد داشت. به‌طور کلی بایدن بیش از آنکه در سطح منطقه به‌دنبال برهم زدن وضعیت موجود باشد، در راستای تثبیت آن تلاش خواهد کرد؛ البته در چارچوب منافع آمریکا. به‌نظر می‌رسد هدف رئیس‌جمهور جدید آمریکا در عراق نیز از این قاعده تبعیت کند؛ تثبیت وضعیت موجود با تأکید بر حفظ منافع آمریکا در معادلات عراق.

## بایدن و ترکیه: چشم‌انداز تیره در ۲طرف

رحمان قهرمانپور
کارشناس مسائل ترکیه

در سطح روابط شخصی، آقای بایدن خاطره خوبی از روابط با اردوغان ندارد. در زمانی که آقای بایدن معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا بود و کودتای ناموفق در ترکیه رخ داد، سفری به ترکیه داشت که آن سفر بسیار جنجالی شد و به نوعی می‌شود گفت که هم باعث ناراحتی اردوغان و هم باعث ناراحتی خود بایدن شد. در آن زمان آقای اردوغان در سخنرانی‌های بعد از کودتا مرتب می‌گفت که به‌زودی عامل کودتا، یعنی فتح‌الله گولن را به ترکیه می‌آوریم، آمریکا همراهی می‌کند و ... . در نتیجه انتظاری در افکار عمومی ایجاد شده بود که آمریکا آقای فتح‌الله گولن را به ترکیه استرداد خواهد کرد. بایدن در دیدارهایش در آنکارا این خواست ترکیه را رد کرد. خاطره آن سفر همچنان در ذهن ترک‌ها باقی ماند و ما دیدیم که بایدن قبل از شروع کمپین انتخاباتی، در مصاحبه با برخی تحلیلگران گفته بود که باید از رقبای اردوغان حمایت کنیم تا اردوغان و حزبش در انتخابات شکست بخورند. اما خبرهایی که هست و آقای مولود چاووش‌اوغلو، وزیر خارجه ترکیه هم بر آنها مهر تأیید گذاشته این است که ترکیه از سوم نوامبر به این سو، یعنی از زمان مسجل شدن پیروزی بایدن، تلاش زیادی کرده روابط را بهبود ببخشد. اما می‌دانیم همین دو سه هفته پیش بحث خرید محموله دوم موشک‌های رهگیر اس-۴۰۰ روسی پیش آمد و اردوغان گفت که ترکیه از خرید آنها صرف‌نظر نخواهد کرد و خیلی از ناظران هشدار داده‌اند که این کار، یعنی خرید محموله دوم اس-۴۰۰ از روسیه، می‌تواند روابط آمریکا و ترکیه را دوباره متشنج کند. به‌خاطر خرید اس-۴۰۰ بخش صنایع دفاعی وزارت دفاع ترکیه و تعدادی از مسئولان این بخش تحت تحریم کنگره قرار گرفتند. این احتمال وجود دارد که با آمدن آقای بایدن این تحریم‌ها بیشتر شود و این اظهارنظری که اردوغان و مقام‌های ترکیه درباره خرید سری دوم موشک‌های اس-۴۰۰ داشتند، شاید ناشی از این بوده که در پشت پرده تلاش‌های ترکیه به نتیجه مطلوب نرسیده و ترکیه خواسته حرکتی کند که آمریکا را تحت فشار بگذارد. کما اینکه ما در ایران شاهد بودیم که غنی‌سازی ۲۰درصد شروع شد و برخی اینطور تفسیر کردند که ایران می‌خواهد امتیاز بیشتری از دولت بایدن